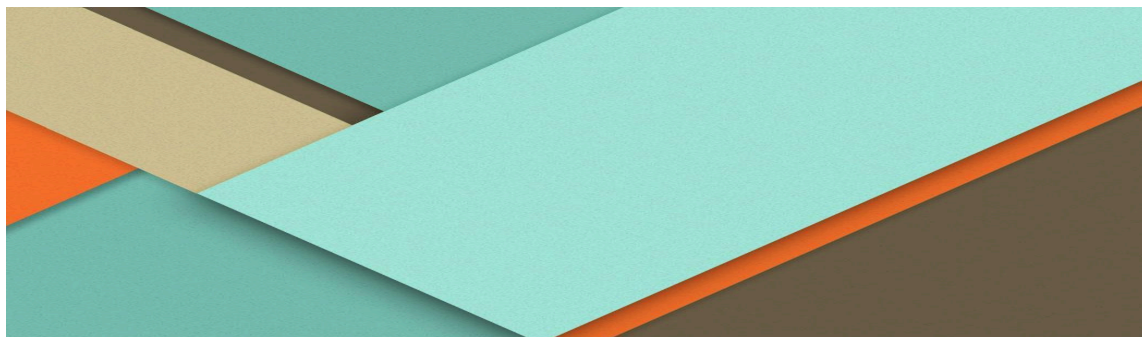




آنچه به ما نگفته‌اند

گردآورنده: نادر فرزانه

در این مقاله می‌خوانیم :

* آنچه به ما نگفته‌اند

- مقدمه
- قرآن را فارسی بخوانید
- قرآن چگونه جمع آوری و تدوین شده است
- اولین مرتد اسلام چه کسی بود و چرا مرتد اعلام شد
- آیات مکی و مدنی قرآن
- آیا خداوند عادلانه همه را هدایت می‌کند؟ یا هرکس را که تشخیص می‌دهد؟
- بهشت از نظر قرآن و احادیث
- جایگاه زنان در قرآن
- چرا اسلام برای محمد استثناء قائل میشود؟
- اسلام دین وحشت و خشم و اضطراب
- آیا خداوند را از روی صفاتش میتوان شناخت
- سخن آخر

برای خوانندگان عزیز

من نادر فرزانه هستم و اکنون که این متن را آماده می‌کنم ۶۷ سال دارم و چندین و چند سال با چشم و عقل بسته هر آنچه که به من گفته شده بود را باور کردم و در تاریکی به سر می‌بردم .

قصه زندگی من وقتی تغییر کرد که قصد اصلاح و تغییر مسیر زندگی و فکری عزیزی را داشتم که گمان می‌کردم او در تاریکیست .

آن عزیز با صبر و مهربانی چراغی را سر راهم قرار داد و من را از مسیری که در آن بودم آگاه کرد و فقط از من تنها یک درخواست داشت ، که من نیز این خواهش را از شما عزیزان دارم ، او از من خواست تا مطالبی را که در اختیارم قرار می‌دهد بدون تعصب و بدون پیش‌داوری و با چشم و فکری باز مطالعه کنم و در انتها به صدای عقل و قلبم گوش فرا دهم.

من مسلمان زاده و مسلمان بودم و در خانواده مذهبی بزرگ شدم همیشه در خانواده ما معیار خوب و بد عمل به اسلام و قوانین اسلامی بود من با طرز فکر اسلامی بزرگ شدم و یک مسلمان عملگرا بودم و بعد از ازدواج و تشکیل خانواده ، من نیز مبنای تربیت فرزندانم را اسلام قرار دادم.

تا اینکه یک روز متوجه شدم فرزند بزرگترم به تمام ارزش‌های خانواده پشت کرده و از اسلام خارج شده، در آن زمان تمام تلاشم را کردم تا با طرد کردن، او را به راه درست برگردانم. وقتی متوجه شدم او، در راه خود مصمم است و بی‌محبتی من اثر ندارد پس تصمیم گرفتم با شنیدن حرف‌هایش و محبت به او نزدیک شده و هدایتش کنم، غافل از اینکه من خودم در راه هدایت شدن بودم. و در این مسیر پر از چالش، متوجه شدم:

بزرگترین علت گمراهی ما ندانستن حقیقت اسلام است و هر آنچه که به ما نگفته‌اند

پس در ادامه، چکیده‌ای از هر آنچه در این چند سال به دست آوردم با شما در میان می‌گذارم. امیدوارم نوری در دل و چشمانتان، برای دیدن حقیقت پیدا شود. و از شما درخواست می‌کنم تا بدون تعصب و بدون پیش‌داوری و با چشم و فکری باز مطالعه کنید و خودتان نیز سفر جستجوی حقیقت را آغاز کنید.

آنچه به ما نگفته‌اند:

قرآن را فارسی بخوانید

کتاب خصال صفحه ۲۵۸ از امام صادق: زبان عربی را بیاموزید زیرا زبان عربی زبان خداوند است که به وسیله آن با بندگان سخن گفته.

در کتاب امالی طوسی جلد ۲ صفحه ۷۰ و کتاب الفقیه جلد ۲ صفحه ۲۰۵ پیامبر فرموده نگاه کردن به آیات عربی قرآن عبادت است .

در کتاب وسائل الشیعه جلد ۶ صفحه ۲۲۰ پیامبر فرموده قرآن را به عربی بیاموزید و بخوانید.

طبق روایات فوق متوجه می‌شویم که قرآن را باید به زبان عربی بخوانیم حتی اگر چیزی از آن را نمی‌فهمیم و ثواب کافی را زمانی می‌بریم که متن قرآن را به عربی خوانده و به آیات قرآن نگاه کنیم زیرا خواندن ترجمه قرآن قرائت قرآن اطلاق نمی‌شود.

این موضوع به قدری مهم است که در روایت در کتاب الکافی جلد ۲ صفحه ۶۱۹ که اگر افراد غیر عرب ، قرآن را به زبان خودشان تلفظ کنند، ملائکه قرائت قرآن را به عربی، مطابق آیات قرآن، به آسمان می‌برند.

حال در اینجا دو سوال پیش می‌آید: آیا خداوند عرب زبان است و زبان دیگری بلد نیست ؟ و اینکه چرا نمی‌خواهند ما قرآن را به زبان خودمان بخوانیم و در آن تدبر کنیم ؟

من از زمانی که شروع به خواندن قرآن به زبان فارسی کردم به حجم عظیمی از تناقضات ، خشونت ، ناعدالتی ، ترس و وحشت و غیر علمی بودن بسیاری از مطالب آن پی بردم که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنم .

آنچه به ما نگفتند :

قرآن چگونه جمع آوری و تدوین شده است

همیشه به ما گفته‌اند که قرآن معجزه پیامبر است و یک بار ، به صورت یکجا در شب قدر و یک بار به صورت تدریجی بر پیامبر اسلام نازل شده است ولی آنچه به ما نگفته‌اند چگونه جمع آوری قرآنی است که هم اکنون در اختیار ماست . طبق کتب اسلامی ای چون :

کتاب درآمدی بر علوم قرآن صفحه ۱۲۱ حسین تقی‌پور ، برای بار اول قرآن توسط امام اول شیعیان جمع آوری شد و پس از اتمام جمع آوری آن را بار شتر نمود و به مردم عرضه کرد اما جامعه اسلامی آن را نپذیرفت سال‌ها بعد، پس از جمع آوری قرآن به دست خلیفه اول قرآن جمع آوری شد و به علت اختلاف در صفحه‌ها و قرائت‌ها بود که در بین مردم اختلاف ایجاد می‌کرد در نهایت در زمان خلیفه سوم عثمان در سال ۲۵ هجری در یک کمیته چهار نفره به یکسان سازی صفحه‌های قرآن پرداختند و الباقی نسخه‌ها را آتش زدند در کتاب اصول کافی که از کتب اربعه است به نقل از امام صادق گفته شده قرآن شامل ۱۷ هزار آیه است ولی قرآن کنونی ۶۲۳۶ آیه وجود دارد.

بار دیگر در حدود ۱۰۰ سال پیش در دانشگاه الازهر مصر از بین ۳۱ قرآن موجود همگی بر روی یک قرآن توافق می‌کنند و نام آن حفظ از عاصم می‌باشد . این در حالی

است که در شمال آفریقا قرآن حفظ از عاصم را ممنوع اعلام کردند و قرآنی به نام { ورش } دارند که آن هم با قرآن کنونی فرق دارد و تاکنون ۳۷ نوع قرآن شناسایی شده است، که همگی با هم فرق دارند. همانطور که علامه سید کمال حیدری که از علمای اسلامی است خطاب به علمای شیعه در یک سخنرانی، می‌گویند:

چه می‌خواهید بکنید با ۱۲۰۰ روایت در مورد تحریف قرآن؟ و اعلام می‌کند که در هیچ موضوعی در اسلام این تعداد روایت و نقل قول وجود ندارد. سوال اینجاست که چرا تحریف قرآن را قبول نمی‌کنید و آن را تکذیب می‌کنید؟ چرا سخنان آیت الله محدث نوری را نمی‌پذیرید که در تحریف قرآن تاکید کرد حداقل ۲۰۰ روایت با سند و مدرک در مورد تحریف قرآن وجود دارد که قابل انکار نیست.

حال سوال اینجاست چرا به ما نگفتند، چرا پیامبر اسلام در زمان حیاتش اقدام به جمع آوری و کتاب قرآن نکردند؟

طبق آیه ۹ سوره حجر که خداوند می‌گوید ما خود قرآن را نازل کردیم و خود از آن محافظت می‌کنیم چطور امکان دارد که اینقدر اختلاف و تحریف وجود داشته باشد؟ مگر قرآن معجزه پیامبر نیست؟ چطور امکان دارد چنین معجزه‌ای تحریف شود؟ آیا قرآن توانایی حفاظت از خود در مقابل تحریف را ندارد؟

پس بیاید بیشتر ببیندیشیم.

آنچه به ما نگفته‌اند

اولین مرتد اسلام چه کسی بود و چرا مرتد اعلام شد

آیا تا به حال نام عبدالله بن ابی صرح را شنیده‌اید به روایت از تاریخ طبری جلد ۳ صفحه ۱۱۸۷ او از ادیبان و خوشنویسان دوره محمد، پیامبر اسلام بود

کلمات را محمد روایت می‌کرد و آیات را برای نویسندگان می‌گفت و آنها می‌نوشتند. در میان کاتبان قرآن، کسی بود به نام ابی صرح که هرگاه آیه‌ای نازل می‌شد او در هنگام کتابت با اجازه و هماهنگی پیامبر مطلب را تغییر می‌داد تا شیواتر به نظر بیاید. مثل سمیع والبصیر که به سمیع العلیم تغییر داد. پیامبر نگارش قرآن را به او سپرده بود وقتی سوره مومنون آیه ۱۴ به پایان رسید پس، عبدالله ابن ابی صرح گفت: فتبارک الله احسن الخالقین و پیامبر همان زمان گفت این سخن که گفتم الان بر من هم نازل شد. ابی صرح شک کرد و گفت اگر این آیه کلام خداست پس بر من هم وحی می‌شود و خداوند با من نیز سخن می‌گوید و اگر دروغ است و کلام خدا نیست پس محمد هم دروغ‌گوست. ابی صرح به مکه رفت و داستان دستکاری آیه‌های قرآنی و کلام وحی و آیه نازل شده را برای همه گفت و از آن پس خطر بزرگی برای محمد شد. پس پیامبر دستور کشتن ابی صرح را به عنوان مرتد صادر کرد. از این پس ابی صرح از ترس کشته شدن به مکه رفت و مخفی شد. سوره انعام آیه ۹۳ نیز به عمق این موضوع اشاره دارد:

کسی که می‌گوید آیه بر من نازل شده است در صورتی که به او نازل نشده بود و در روز قیامت ملائک جان او را سخت می‌گیرند و به عذاب الهی دچار خواهد شد .

در اینجا می‌بینیم که هر آنکس که برای اعتبار محمد خطری محسوب شود با حکم کشتار و عذاب الهی مواجه می‌شود .

چرا به ما نگفته‌اند :

آیا این دین و دستوراتش واقعاً از جانب خداوند یگانه و بی‌نیاز و با رحمت است یا دینی جهت منافع محمد ؟

آیا ابی صرح به اشتباه شک کرده بود؟ یا اگر من و شما هم بودیم همین نظر را نداشتیم ؟

آنچه به ما نگفته‌اند

آیات مکی و مدنی قرآن

در قرآن همیشه ما شنیده‌ایم که آیات مکی آیاتی هستند که در مکه به پیامبر اسلام نازل شده و آیات مدنی آیاتی است که در شهر مدینه نازل شده است . اما آیا تاکنون به مقایسه این دو گروه آیات توجه کرده‌اید؟

آیا این آیات را به فارسی خوانده‌اید تا متوجه تفاوت آنها بشوید ؟

سوره‌های مکی که در مکه و قبل از به قدرت رسیدن پیامبر و تشکیل حکومتش در مدینه بر محمد نازل شده حکایت از بردباری و شکیبایی و تحمل دارند .

مانند سوره کافرون :

ای کافران آنچه را که من می‌پرستم نمی‌پرستید و من نیز آنچه را شما می‌پرستید نمی‌پرستم, بنابراین شما به دین خود باشید و من هم به دین خود .

در جای دیگر می‌گوید : ما به خوبی می‌دانیم کافران چه می‌گویند و تو حقی برای اجبار آنها نداری .

در سوره زخرف نیز چنین می‌گوید :

که این‌ها افرادی هستند که ایمان نمی‌آورند به آنها شکیبایی نشان بده و برایشان آرزوی صلح و آرامش داشته باش زیرا سرانجام به نابرداری خود پی می‌برد.

اما در سوره‌های مدنی و پس از تشکیل حکومت اسلامی , چهره متفاوتی از محمد می‌بینیم

، هرچه که قدرت سیاسی و نظامی محمد , پیامبر اسلام زیاد می‌شود از یک آموزگار

اخلاقی و مذهبی به یک رهبر قانونگذار و جنگجو که به دنبال مطیع کردن مردم و

فرمانروایی بر آنهاست تبدیل می‌شود به طوری که در زمان قدرت, تنها راهی که بت

پرستان دارند پذیرش اسلام است یا مرگ.

مانند آیه ۴ سوره محمد:

شما مومنان چون با کافران روبرو شدید باید آنان را گردن بزنید تا زمین از خونشان
رنگین شود و اسیرانشان را محکم ببندید تا مبادا فرار کنند.

سوره انفال آیه ۳۹ :

ای مومنان کافران را بکشید تا دیگر در زمین فتنه و فساد دیگری نماند و آیین همه دین
خدا گردد .

سوره بقره آیه ۱۹۱ :

هرجا مشرکان را یافتید ،به قتل برسانید و از شهرهایشان برانید .

حال سوال پیش می‌آید که چرا به ما نگفتند ؟

چرا ما این آیات را تاکنون به فارسی نخوانده‌ایم و تفاوت را نمی‌دانستیم ؟ آیا خداوند که
قادر مطلق می‌باشد باید اینگونه تغییر لحن بدهد؟

آیا این روشی است که ما از یک خداوند انتظار داریم ؟

آنچه به ما نگفته‌اند

خداوند عادلانه همه را هدایت می‌کند یا هر کس را که خود تشخیص دهد مورد هدایت

قرار می‌دهد؟

در زیر آیاتی از قرآن را با هم می‌خوانیم و قضاوت را به خود شما می‌سپاریم.

آیاتی که با خواندن آنها به فکر فرو می‌روید

سوره قصص آیه ۵۶:

چنین نیست که هر کس را تو دوست بداری هدایت توانی کرد لیکن خدا هر که را خواهد هدایت می‌کند و او به حال آنان که قابل هدایتند آگاه‌تر است

سوره زمر آیه ۲۳ :

این کتاب همان کتاب هدایت خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید و هر کس را خدا به گمراهیش واگذارد دیگر هیچ هدایت کننده‌ای نخواهد داشت

سوره سجده آیه ۱۳ :

و اگر ما به مشیت ازلی می‌خواستیم هر نفسی را به کمال هدایتش به جبر و الزام می‌رسانیم ولیکن وعده حق رحمت من است که دوزخ را البته از همه کافران جن و انس پر سازم .

سوره فتح آیه ۱۴ :

فرمانروای آسمان‌ها و زمین از آن خداست هر کس را صلاح بداند می‌آمزد و هر که را صلاح بداند مجازات می‌کند بدانید که خداوند آمرزنده و با گذشت است.

چرا به ما نگفته‌اند ؟ آیا عدل خداوند نسبت به بندگان اینگونه است هر کس را خودش بخواهد مورد هدایت و رحمتش قرار می‌دهد؟ اگر هدایت شدن و نشدن انسان‌ها به دست و سلیقه خداوند است پس چرا انسان‌ها باید عمل صالح انجام دهند؟ چرا باید از گناه دوری کنند وقتی خداوند هر کس را خودش بخواهد هدایت می‌کند؟ پس نقش انتخاب و اختیار در انسان به چه معناست ؟ آیا این با عدل خداوند همخوانی دارد ؟ آیا پروردگار عادل با بندگان اینگونه رفتار می‌کند؟

قضاوت با شماست ,من چشمانم را به حقیقت نمی‌بندم .

آنچه به ما نگفته‌اند

بهشت از نظر قرآن و احادیث کجاست ؟

در قرآن آیات بسیاری در مورد بهشت وجود دارد که در وصف نعمت‌ها و لذت‌های موجود در بهشت است در زیر برخی از این آیات را می‌آوریم و در انتها چند سوال از ذهن‌های آگاه و بی تعصب دارم.

سوره رعد آیه ۳۵

بهشتی که متقیان را وعده داده‌ایم، چنان است، رودها در زیر درختانش جاریست و میوه‌هایش همیشگیست و سایه آن برقرار است و این بهشت سزاوار متقیان است و دوزخ سزاوار کافران.

سوره نسا آیه ۱۳

هرکس از خدا و پیامبرش اطاعت کند، خداوند او را در بهشت‌هایی که از زیر درختان آن رودها جاریست جای دهد و همیشه در آن خواهند ماند و این پیروزی بزرگی است

سوره نسا آیه ۱۰ تا ۲۱

ما از روزی سخت و شدید که از جانب پروردگار ماست می‌ترسیم پس خدا آنان را از شر روز جزا در امان می‌دارد و شادابی و خوشحالی بزرگی به آنان می‌دهد و به پاس صبوری‌شان به آنان باغی بی‌مانند و لباس‌های ابریشمی بی‌نظیر پاداش می‌دهد و در حالی که در آنجا درون حله‌ها بر تخت‌ها نشسته و تکیه زده‌اند و نه حرارت خورشید را احساس می‌کنند و نه سوز و سرما را و سایه‌هایی از درختان بر آنان پهن گسترده است و میوه‌ها و خوشه‌هایش کاملاً در دسترس آنان قرار دارد و گرداگرد آنان ظرف‌هایی از نقره بی‌مانند و جام‌های بلورین با غذاهای رنگارنگ و نوشیدنی‌های گوارا گردانده می‌شود و در آنجا شراب‌های بهشتی برای نوشیدن داده می‌شود که با ماده‌ای بسیار لذیذ و خوشبو آمیخته شده است و غلامانی که همیشه جوان هستند گرداگرد آنان می‌چرخند هنگامی که

آنان را ببینی از درخشندگی گمان می‌کنی که مرواریدهایی هستند که در آن بزم پراکنده شده‌اند و این در حالی است که لباس‌های ابریشمی سبز و ظریف و پارچه ابریشمی درشت بافت بر تن دارند و با دستبندهایی از نقره بی‌مانند آراسته می‌شوند و مالک و صاحب اختیارشان نوشیدنی بسیار پاکی به آنها می‌دهد

سوره نبا آیه ۳۳

دختران زیبایی کم سال با سینه‌های برجسته

سوره انسان آیه ۱۴ و ۱۵

سایه درختان بهشتی بر سر آنها و میوه‌هایش در دسترس و به اختیار آنهاست ساقیان زیبا حوری و غلمان با جامه‌های سیمین و کوزه‌های بلورین بر آنها دور می‌زنند

سوره انسان آیه ۱۹

و دور آنها بهشتیان پسرانی زیبا که تا ابد نوجوانند و خوش سیما به خدمت می‌گردند که تو به آنها چو بنگری از فرط صفا گمانبری که لولو یعنی مروارید منورند

سوره انسان آیه ۲۱ و ۲۲

بر اندامشان جامه‌هایی از حریر نازک و سبز و زیبایی ستبر است با دستبندهایی از نقره آراسته شده‌اند و پروردگارشان باده پاک به آنان می‌نوشاند

حال شما را دعوت به خواندن برخی احادیث در مورد بهشت از کتاب بحارالانوار جلد ۸ که به توصیف بهشت برای مسلمانان می‌پردازد .

بحارالانوار جلد ۸ صفحه ۱۹۶

بیشتر نهرهای بهشتی از نهر کوثر است که در کنار آن دختران نارپستان مانند گیاهی می‌رویند

بحارالانوار جلد ۸ صفحه ۲۵۰

جماع با حوریان لذت ۱۰۰ مرد را می‌باید که هر یک چهل سال خواهش مجامعت و آمیزش داشته باشند

حال از شما می‌خواهم به سوالات پاسخ دهید و در پاسخی که می‌دهید تامل کنید.

تصویری که از بهشت ترسیم می‌شود آیا تصویری خداگونه است یا انسانی؟

چرا بهشت در اسلام نقش مهمی در رفع نیازهای اولیه و شهوانی دارد؟

چرا تمام وعده‌های خداوند برای پاداش در بهشت فقط جسمی و جنسی است؟

چرا مواردی که در این دنیا حرام و ممنوع است در بهشت آزاد و پاداش است؟

مکانی پر از درختان سرسبز و جویبارهای روان که در عربستان، محل ظهور اسلام

کمیاب و دست یافتنی نبود و خداوند مردمان را به آن وعده می‌دهد. آیا اگر این دین در

سرزمین‌هایی سرسبز ظهور می‌کرد باز هم بهشت با این توصیف برای پیروانش جذابیت داشت؟

ای کاش خدای اسلام و قرآن شأن انسانی و قدرت روح انسان را انقدر دست پایین و ضعیف نمی‌دانست تا با این وعده‌های سطحی خواستار پیروی مردم شود

آنچه به ما نگفته‌اند

قرآن چه جایگاهی برای زنان قائل می‌شود

در این مطالب من تمامی سعی خود را کردم که تنها از آیات قرآنی و احادیث محمد پیامبر اسلام استفاده کنم و بدون هرگونه پیش داوری و تعصب تنها به بیان حقایق بپردازم در زیر گروهی از آیات در مورد زنان و جایگاه زنان در جهان اسلام را می‌خوانیم

سوره نسا آیه ۳۴

مردان سرپرست زنانند برای اینکه برخی از مردان بر برخی از زنان برتری دارند به این سبب است که از اموالشان برای زنان هزینه می‌کنند

سوره تغابن آیه ۱۴ و ۱۵

ای مسلمانان برخی از همسران و فرزندان شما دشمنان شما هستند بنابراین از خواسته‌های آنها بپرهیزید

سوره نسا آیه ۱۱

خداوند به شما درباره چگونگی ارث بردن فرزندان فرمان می‌دهد، سهم ارث پسر دو و سهم دختر یک می‌باشد و در مورد شهادت هم شهادت دو زن برابر یک مرد است .

سوره بقره آیه ۲۲۳

زنان کشتزار شما هستند هر جا که خواهید به کشتزار خود درآید و برای خویش از پیش چیزی بفرستید و از خدا بترسید و بدانید که به نزد او خواهید شد

سوره نساء آیه ۱۵

از زنان شما آنان که مرتکب فحشا می‌شوند از چهار تن از خودتان بر ضد آنها شهادت بخواهید اگر شهادت دادند آنها را در خانه حبس کنید تا مرگشان برسد

سوره نور آیه ۶

کسانی که زنان خود را به زنا متهم می‌کنند اگر نتوانستند چهار شاهد پیدا کنند می‌توانند خود چهار بار شهادت بدهند در راه خدا که او از راستگویان است

سوره نسا آیه ۲۴

و زنان شوهردار بر شما حرام شده‌اند مگر آنها که به تصرف شما درآمده باشند از کتاب خدا پیروی کنید و جز این‌ها زنان دیگر هرگاه در طلب آنان از مال خویش مهریه بپردازید و آنها را به نکاح درآورید نه با زنا بر شما حلال شده

و همچنین خطبه ۸۰ نهج البلاغه، علی ابن ابیطالب امام اول شیعیان این چنین می گوید :

ای مردم، بدانید که زنان را ایمان ناقص است و بهره مندی هایشان ناقص است و عقل هایشان ناقص است. اما ناقص بودن ایمانشان از آن روست که در ایام حیض از خواندن نماز و گرفتن روزه معذورند و ناقص بودن عقل هایشان، بدان دلیل است که شهادت دو زن برابر شهادت يك مرد است و نقصان بهره مندیشان در این است که میراث زنان نصف میراث مردان است. از زنان بد بپرهیزید و از زنان خوب حذر کنید و کار نيك را به خاطر اطاعت از آنان انجام مدهید، تا به کارهای زشت طمع نکنند.

حال عزیزان :

با خواندن این آیات چه حسی به عنوان یک انسان پیدا میکنید؟

فارغ از زن یا مرد بودن ، کرامت انسانی در کجای این آیات دیده می‌شود؟

آیا خداوند که خالق آدمیان است می‌تواند اینقدر تفاوت بین مرد و زن قائل شود؟ چرا باید

عقل زن ناقص باشد؟ چرا ایمانش ناقص باشد؟ و چه بسیار قوانینی که در کشور های

اسلامی با توجه به همین آیات اسلامی به زنان ظلم می‌کنند و ناعدالتی را تا حد نهایت اجرا می‌کنند .

من یک مرد هستم، مردی که سالیان سال در اسلام و قوانین ناعدلانه اش زندگی کرده و از مزایای مرد بودن در اسلام استفاده کرده ام ولی شهادت می‌دهم که در تمام این سالها همیشه نگاه اسلام به زن برایم سوال برانگیز بوده و هست ،مگر همگی آفریده خداوند نیستیم پس چرا همه قوانین یک طرفه و یک جانبه به نفع مردان است. آیا زنان نیز مانند بقیه نعمتهای این دنیا برای لذت مردان آفریده نشده اند، چرا زنان و فرزندان باید دشمنان مردان خطاب شوند و یک مرد باید از برآورده کردن خواسته های آنان سرباز زند؟ آیا زنان را خداوند نیافریده؟ آیا زنان انسان نیستند؟ پس چرا ارزش گذاری آنها اینگونه است؟ چرا سهم زنان در ارث و شهادت نیمی از مردان است؟

آیا عدل خداوند در مورد تمام مخلوقاتش نباید یکسان باشد؟ و تمامی اینها را اضافه کنید به تمام حقوقی که برای یک مرد در اسلام وجود دارد حق حضانت فرزند، حق طلاق ، حق اجازه سفر ،حق کار کردن برای یک زن یا بهتر بگویم یک زن حق زندگی و تصمیم گیری برای خودش را هم ندارد.

آیا این انصاف است؟

تا زمانی که مسلمان بودم، در جواب این سوالات تنها یک جمله می شنیدم؟ خدا و پیامبرش بهتری می دانند یا ما؟

اسلام کاملترین دین و آخرین دین برای بشریت است و قوانینش نیز کامل و بی نقص است و ما مدرک درستی از این قوانین نداریم ؟

پس شک را کنار بگذار و پیروی کن ولی همیشه برایم سوال بود که آیا اگر این قوانین بر عکس بود و همه چیز یک طرفه به نفع زنان بود ،مردان این شرایط را می پذیرفتند؟
چطور می توان با این آیه قرآن موافق بود ؟

سوره نسا آیه ۳۴ : که چون مردان از اموالشان برای زنان هزینه می کنند (نفقه می پردازند) پس بر آنان برتری دارند،
آیا این نوعی برده داری نیست؟

آیا خداوند در اسلام ترویج برده داری می کند؟

آیا این زنان همان دختران و خواهران و مادران و همسران ما نیستند؟ پس بیایید با فکر باز دوباره نگاهی)

به قوانین یک طرفه اسلام ببیندازیم و راه حق و حقیقت و تاریکی را از هم جدا کنیم.

آیا اسلام برای محمد استثناء قائل میشود؟

اسلام دین شخصی سازی شده محمد

لطفا به آیات زیر توجه کنید و در مورد اولین چیزی که به ذهنتان می رسد فکر کنید

سوره احزاب آیه ۵۰

ای پیامبر آن همسرانت را که مهریه ایشان را داده ای برایت حلال کردیم و نیز کنیزانت را که خداوند از کافران به غنیمت گرفت و در اختیار تو قرار داد و دختر عموها و دختر عمه ها و دختر دایی ها و دختر خاله هایت را که همراه تو هجرت کردند و همچنین زن مسلمانی را که بخواهد خودش را بدون مهریه به پیامبر ببخشد و اگر پیامبر راضی باشد، بر تو حلال کردیم البته این در حالی است که این مورد **فقط مخصوص توست نه مسلمانان**

دیگر

سوره احزاب آیه ۵۱

ای پیامبر هر یک از آنان را که بخواهی می توانی از خودت دور کنی و هر یک را که بخواهی می توانی در کنار خویش جای دهی و کسانی را که از آنها کناره گرفته بودی

دوباره طلب کنی

سوره تحریم آیه ۱

ای پیامبر چیزی را که خدا بر تو حلال کرده به خاطر جلب رضایت همسرانت بر خود حرام می‌کنی؟ و خداوند آمرزنده و رحیم است

سوره تحریم آیات ۳-۴-۵-

به خاطر بیاورید هنگامی را که پیامبر یکی از رازهای خود را به بعضی از همسرانش، گفت ولی هنگامی که وی، آن را افشا کرد و خداوند پیامبرش را از آن آگاه ساخت قسمتی از آن را بازگو کرد و از قسمت دیگر خودداری نموده هنگامی که پیامبر همسرش را از آن خبر داد گفت چه کسی تو را از این راز آگاه ساخت؟ فرمود خداوند عالم و آگاه مرا خبر ساخت اگر از کار خود توبه کنید (به نفع شماست زیرا) دل‌هایتان از حق منحرف گشت و اگر بر ضد پیامبر دست به دست هم دهید (کاری از پیش نخواهد برد)

زیرا خداوند یاور پیامبر است و همچنین جبریل و مؤمنان صالح و فرشتگان پشتیبان او هستند. امید است اگر او شما را طلاق دهد پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مومن، متواضع، تو به کار، عابد، هجرت کننده، زنانی غیر باکره و باکره

سوره احزاب آیه ۳۶ - ۳۷ - ۳۸

و هنگامی که خدا و رسولش درباره امری از امور مؤمنان فرمانی صادر کردند هیچ مرد و زن مومنی در کارشان اختیاری ندارند و آنان را نرسد که آنچه خود می‌خواهند

برگزینند و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی

کند قطعاً به گونه ای آشکار گمراه گشته است. ای پیامبر یاد کن زمانی را که به پسر

خوانده ات زید که خدا بر او نعمت ارزانی داشته و هدایش کرده

بوده و تو نیز به او نعمت بخشیده و از بردگی رهایش ساخته بودی می‌گفتی همسرت را

نزد خود نگهدار و از خدا بترس و او را طلاق مده و در نفس خود حقیقی را پنهان می

داشتی که خدا آشکار شدنش را اراده کرده بود. او زینب همسر زید را در شمار همسران

تو مقرر داشته بود و تو از مردم بیم داشتی که مبادا موافقت با طلاق زینب و سپس به

همسری گرفتن او در ایمان مردم اثری نامطلوب داشته باشد. در حالی که خدا

سزاوارتر بود که از او پروا کنی و در صدد انجام فرمان او باشی. پس هنگامی که زید

از همسرش خواسته خود را تأمین نمود، او را به همسری تو درآوردم. آری چنین کردیم تا

بر مؤمنان ازدواج با همسر پسر خوانده گانشان دشوار نباشد، حتی پس از آن که پسر

خواندگان خواسته خود را از همسران

تأمین نموده باشند و کار خداوند انجام شدنی است.

بر پیامبر در آنچه خدا برای او مباح شمرده است هیچ گونه تنگنایی نیست. خداوند این سنت را درباره پیامبران پیشین نیز مقرر کرده بود که در کارهای مباح در تنگنا قرار نگیرند و کار خدا دارای اندازه و حساب است و برای هر کسی آنچه را که مناسب اوست مقرر می‌کند.

سوره کهف آیه ۱۱۰

من فقط بشری هستم مثل شما و تنها امتیازم این است که به من وحی می‌شود و تنها معبود تان وجود یگانه است. پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد کارهای شایسته انجام دهد.

و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.

آیا بعد از خواندن آیه ۵۰ سوره احزاب که خداوند صراحتاً می‌گوید این شرط که گفتیم در مورد رابطه با زنان فقط مخصوص توست نه مسلمانان دیگر به این فکر نکردید که خداوند عادل چرا باید برای پیامبرش استثناء قائل شود؟ مگر در آیه ۱۱۰ سوره کهف نمی‌گوید که محمد نیز بشری است مثل بقیه و

برتری دیگری جز وحی ندارد؟

در آیه ۵۱ سوره احزاب خداوند مجدداً این حق را به پیامبرش

می دهد که هر کس را می خواهی بپذیر و هر کسی را نمی خواهد کنار بزن و یا دوباره طلب کن

در واقع محمد می تواند بر خلاف دستورات قبلی، که گفته شده بین همسران عدالت را برقرار کند، میتواند هر چه میخواهد بکند.

یا اینکه با خواندن معنی آیات ۱ تا ۵ سوره تحریم که در مورد داستان

ماریه و حفصه می باشد که در زیر به آن اشاره خواهیم کرد

آیا توجهتان به این موضوع جلب نشد که چرا خداوند در طی این آیات تماماً با تمام فرشتگان و مومنان دیگر در خدمت محمد هستند؟

و در حال تنبیه و نصیحت کردن زنان پیامبر تا آنها را مطیع و متواضع کنند؟ خداوند به وضوح در این آیات همسران پیامبر را تهدید می کند که اگر مطیع و فرمانبردار نباشند و توبه نکنید محمد شما را طلاق میدهد، به جای شما همسرانی بهتر برایش قرار می دهد همراه با صفاتی که تماماً مورد پسند پیامبر است.

اینجا سوال پیش می آید که آیا خداوند که آفریننده همه بندگان و

زمین و آسمانها است تنها در جهت خواسته های محمد وحی می کند و آیه می فرستند؟

مگر در قرآن نیامده که او نیز بشری است مانند دیگران پس این همه تبعیض برای چیست؟

همیشه قرآن را به عربی خوانده ایم و توجه نمی کردیم که متن این آیات در مورد زندگی زناشویی و دعوا و نصیحت زنان محمد است تا زندگی را بر او آسان تر کند .

آیا خداوند در خدمت پیامبر و نماینده خود می باشد یا محمد باید در خدمت خداوند و رساندن پیام او باشد ؟

و یا اینکه پیامبر اسلام، خواسته های نفسانی و شخصی خود را به اسم کلام خداوند به اطرافیانش تحمیل کرده؟

این موارد به قدری پست و فرومایه میشود که به عنوان مثال در سوره مسد آیه (1) در مورد ابولهب عمومی پیامبر است می گوید

بریده باد دو دست ابولهب و مرگ بر او باد

آیا منطقی به نظر می رسد که قرآن که پیام وحی خداوند برای بندگان است، کتابی باشد برای دشنام گویی به هر کس که با محمد مشکلی دارد؟ یا در مورد مسائل زناشویی محمد و دعوای میان محمد و همسرانش و یا حسادتهای زنانه میان همسران محمد را بیان کند؟
مانند داستان ماریه و حفصه :

ماریه و حفصه از زنان و کنیزان پیامبر بودند . روزی وقتی پیامبر قرار بود با حفصه ملاقات کند اما با ماریه کنیز او هم‌بستر شد و این باعث رنجش حفصه شد پس پیامبر برای اینکه حفصه را خوشحال کند، قسم یاد می‌کند که ماریه را بر خود حرام کند، در همین لحظه خداوند آیات را نازل می‌کند که ای پیامبر چرا آنچه را من بر تو حلال کرده‌ام تو بر خود حرام می‌کنی ؟ و اینگونه بود که آیات قرآن در مورد تنبیه و تربیت زنان پیامبر و در جهت

اهداف او نازل میشود .

تمام این موارد ,در مورد آیات ۳۶ و ۳۷ احزاب که داستان علاقه محمد به همسر پسر خوانده اش زید را بیان می‌کنه و مجدداً همه حق را به پیامبر و اهداف و خواسته های او می‌دهد نیز صدق میکند.

پس ای خوانندگان عزیز خواهشمندم که منصفانه و با در نظر گرفتن هیچ پیش داوری این مطالب را بخوانید تا بتوانید در عقل و فکر خود به جوابی برای این سوالات برسید .

اسلام دین وحشت و خشم و اضطراب

در تمام طول زندگی ام، شنیده بودم که اسلام بهترین و کاملترین دین است، اگر سوالی برایت پیش می‌آید و به قانونی شک میکنی، از بی ایمانی توست و ایراد از توست و در اسلام خطایی نیست.

پس هر بار که برایم شکی بوجود می‌آمد یا سوالی داشتم با یک دنیا عذاب وجدان و ترس و نگرانی مواجه میشدم چون تصور میکردم، من بر علیه خدا طغیان کرده‌ام و دیگربنده محبوب او نیستم و لایق عذاب الهی هستم.

وقتی شروع به خواندن قرآن به فارسی کردم و تعصب و ترس را کنار گذاشتم، در مواجهه با آیات قرآن که سراسر ترس و خشم و وحشت را ترویج می‌کرد به جای مضطرب شدن و عذاب وجدان به تفکر پرداختم و جرات کردم بپرسم که آیا خدای حقیقی باید با ترس حکومت کند؟ آیا این روش مستبدان و دیکتاتورها در تاریخ نیست؟ در زیر به برخی از این آیات که در قرآن با آنها مواجه شدم اشاره میکنم:

ما برای ستمکاران آتشی فراهم کرده ایم که شعله هایش آنان را همچون خیمه ای احاطه کرده و اگر از تشنگی فریاد آب خواهند با آبی همچون مس گداخته شده به فریادشان رسیده شود که صورت ها را بریان می کند وای که چه نوشیدنی بدی و چه آسایشگاه نامناسبی است

سوره انفال آیه ۱۱۲

قطعاً در دلهای کافران ترس و وحشت می افکنم پس بر بالای گردن ,یعنی سرهای ایشان ضربه فرود آورید و همه انگشتانشان را ببرید و دست و پاهایشان را قطع کنید .

سوره انفال آیه ۵۵

بهترین جنبنده گان (حیوانات) از نظر خداوند کسانی هستند که از روی لجابت ایمان نمی آورند

سوره محمد آیه ۴

هنگامی که در جنگ با کافران مواجه شدید بی هیچ تردید گردنهایشان را بزنید پس هنگامی که باکسرت قتل و جراحت توان فعالیت را از آنان گرفتید ,بقیه را محکم ببندید و دیه بگیرید اگر خداوند میخواست قطعاً آنان را مجازات می کرد ولی این احکام را قرار داد تا شما را بیازماید

سوره غافر آیه ۷۱

در آن زمان غل و زنجیرها در گردن هاشان قرار دارد و این در حالی است که در آبی جوشان کشیده می شوند و از آن پس ، در آتش افکنده می شوند و سراسر وجودشان از آتش پر خواهد شد

سوره غافر آیه ۷۵

این عذاب به سبب آن است که به ناحق در زمین شادمانی می کردید و سرمستی می نمودید.

سوره المعارج آیه ۱۶

می گوید پوست از بدنشان کنده میشود و میسوزد

سوره المعارج آیه ۱۱ الی ۱۶

و هیچ دوست صمیمی سراغ از دوستش نمی گیرد ، برای اینکه یکدیگر را نمیشناسند و بلکه آنان را بهم می شناسانند ولی از شدت گرفتاری سراغ یکدیگر را نمی گیرند ،شخص گنهگار آرزو می کند برای رهایی از عذاب آن روز پسرانش را بدهد و همسر و برادرش و نزدیکانش را که در سختی ها به او پناه می دادند و هر آنکس را که در زمین است را بدهد تا از عذاب نجات یابد و هرگز آرزویش اتفاق نمی افتد، آن آتش شعله ور است که پوست دوزخیان را برمی کند .

سوره نساء آیه ۸۹

از میان کفار دوستانی انتخاب نکنید و اگر سرپیچی کردند هر کجا آنان را یافتید بگیرید و بکشید

سوره توبه آیه ۵

هنگام این چهار ماه محرم - ذیقعدہ - رجب - ذیحجه تعرض به مشرکان حرام است و بعد از این چهار ماه هر کجا مشرکان را یافتید بکشیدشان و آنان را به اسارت بگیرید و محاصره کنید و در هر کمینگاهی به کمینشان بنشینید

سوره توبه آیه ۲۸

ای مسلمانان مشرکان فقط پلیدی و آلودگی نجس هستند بنابراین پس از حج امسال دیگر به مسجد الحرام نزدیک نشوند

سوره توبه آیه ۲۹

با کسانی که به خداوند و روز قیامت ایمان ندارند و آنچه را که به خدا و پیامبرش حرام شمرده اند حرام نمی دانند و دین حق را نمی پذیرند یعنی اهل کتاب بجنگید تا تسلیم شوند و در عین حقارت و ذلت با دست خود جزیه بدهند.

سوره توبه آیه ۱۲

اگر سوگند هایشان را شکستند و از دینشان عیب جویی کردن در حقیقت پیشوایان کفر شده اند بنابراین با پیشوایان کفر بجنگید .

سوره مائده آیه ۳۳

کیفر کسانی که با خدا و پیامبرش می‌جنگند فقط این است که بشدت کشته شوند یا بر درخت یا چوب بلندی محکم بسته شوند و دست و پاهایشان به خلاف جهت یکدیگر بریده شود

سوره مائده آیه ۳۸

بخشی از دو دست مرد سارق و زن سارق را قطع کنید تا کیفری در برابر ایمانشان و مجازاتی از سوی خداوند باشد و خداوند شکست ناپذیر است

الرحمن آیه ۳۵

از آتشی وصف نشدنی شعله‌ها و دودهایی به سويتان می‌آید و بر شما مسلط می‌شود در نتیجه از آن در امان نخواهید بود

الرحمن آیه ۳۷

پس هنگامی که طومار دنیا پیچیده شود و آسمان و زمین شکاف بخورد وضع وحشتناکی را مشاهده خواهید کرد

سوره الرحمن آیه ۴۱

گناهکاران از علامتشان شناخته می‌شوند پس موهای جلوی پیشانی و پاهایشان گرفته می‌شود و در دوزخ افکنده میشوند

سوره الرحمن آیه: ۴۴

ولی اکنون میان آبی داغ و جوشان در رفت آمدند

تمام آیاتی که در بالا مطالعه کردید تنها بخشی از آیات خشم و خشونت و ترس و عذاب در قرآن است، و طبق گفته مسلمانان خدای بخشنده و مهربان گوینده این آیات است چگونه می‌توان این همه تناقض را پذیرفت؟!

آنچه به ما نگفته‌اند

آیا می‌توان خداوند را از صفاتش شناخت؟

یکی از اصول دین اسلام توحید به معنای یگانگی خداوند است و تنها راه شناخت خداوند از روی صفات اوست .

برخی صفات خداوند در اسلام بر طبق قرآن که تا الان در این مطلب خواندیم، خداوند **بخشنده** و **مهربان** است و در عین حال **خشم** می‌کند - **حیله** می‌کند

غضب می‌کند، **جبار**، **قهار** و بنده هاشو مورد قهر خودش قرار می‌دهد - **متکبر** و خودش رو

برتر و بالاتر از همه چیز میدونه - **ذوالانتقامه** و واسه خودش حق انتقام

گرفتن از بنده هاشو غائله - **شدید العقابه** و به شدت بنده هاشو شکنجه می

کند .

این صفات همگی صفاتی بشری هستند که با صفاتی که از یک خداوند و آفریننده انتظار میره
فرسنگ ها فاصله داره.

خداوند در قرآن قدرتمند ترینه و جلوی قدرت کسانی را که به او ایمان ندارن میگیره. او زمین ها
- خانه ها- و اموال بی ایمانان رو میگیره و اونارو به وفاداران خود میده . شما تو تموم آیات قرآن
که در آنها از خشم و غضب خدا یاد شده، میبینید که در برابر این غضب، مسلمانان تشویق می
شوند تا

-به الله یا محمد ایمان بیارن

- دشمنان خدا را به قتل برسونن

- یا برای خشنودی اراده الله دست به خشونت‌هایی بزنن .

خدایی که غفور - رحمان و رحیم است پس چرا باید از او وحشت

داشت؟ خداوند به صراحت میگوید دوست دارم آنهایی را که در راه من قتل می کنند .

آیا این با رحمت خداوند سازگار است؟

آیا اینها صفات خداوند است یا صفات خدایی که ساخته دست بشر است برای اینکه مردم بترسند و
اطاعت کنند

آنچه به ما نگفته اند

سخن آخر :

و در انتها به جمع بندی کلی و نظر شخصی خود در مورد اسلام و قرآن و خدای اسلام میپردازم و از شما خواننده عزیز هم درخواست میکنم با قلب و مغز خود صادقانه در مورد حقیقت جستجو کنید و قضاوت کنید. و این را بدانید ، اتفاقی که سالیان سال تاریک و بی نور است و خالی از حقیقت است و چیزی در آن قابل دیدن نیست ، فقط با روشن کردن یک چراغ و در یک لحظه همه جا روشن می‌شود و قابل دیدن . پس سعی کنید این نور را به خودتان هدیه دهید تا حقایق را واضح ببینید .

در شبه جزیره ای که بسیار گرم و سوزان بود و آبادی و درخت و جنگل و نهر و رود زیاد وجود نداشت و بعدها به نام عربستان نامیده شد اقوام بادیه نشینی زندگی می کردند که دختران تازه متولد شده خود را زنده در خاک میکردند و برای بقای خود ، به شهر و قبایل دیگر حمله می کردند، و مردها را برای غلامی به اربابان قوم و قبیله خود می دادند و دخترها و زنهای را نیز مانند برده خرید و فروش می کردند و از کشاورزی چیزی نمی دانستند ، چون تنها آب آنها چاله هایی بود که آب باران در آن جمع می شد و بد بو و بد مزه بود و حتی در برخی قبایل ملخ و مارمولکهای کمی بزرگتر را می خوردند و پای برهنه راه می رفتند البته بر روی شنهای داغ شبه جزیره و در اثر سوزش پا ، می دویدند تا به یک سایه درخت یا سرپناهی برسند، و هر قبیله برای خود بت مخصوص داشتند و آن را می پرستیدند.

در این زمان فقط سران قبیله و خانواده آنها کفش میپوشیدند و غذای مناسب میخوردند. در همان زمان ، در شبه جزیره عربستان شخصی بنام محمد که زیرک و دانا بود، کالاهای ثروتمندان را برای فروش به کشورهای همسایه می برد و اجناسی که بزرگان لازم داشتند تهیه میکرد و برمیگشت به شبه جزیره و خود را بی سواد معرفی می کرد و در این سفرها با روحانیون کلیمی و مسیحی گفتگو می کرد و اطلاعات علمی و مذهبی زیادی به دست می آورد . و همینطور با بازرگانان ایرانی که دین زرتشت داشتند گفتگو می کرد و تاریخ گذشتگان و پیامبران را خوب می دانست.

از بین سران قبایل و ثروتمندان زنی بنام خدیجه از محمد که جوانی برومند بود خواستگاری کرد و محمد به او جواب مثبت داد و خدیجه ۱۵ سال از محمد بزرگتر بود و زنی بسیار ثروتمند بود. از آن پس محمد کمتر به مسافرت می رفت و در نخلستانها به تنهایی روز میگذراند و فکر می کرد . تا زمانی رسید که بیشتر به غار حرا می رفت و بر روی افکار خود و دانسته هایش برنامه ریزی می کرده و افراد و قومها و قبیله ها را مورد شناسایی قرار می داد. محمد که در موقع ازدواج ۲۵ سال داشت و در چهل سالگی خود را به پیامبری مبعوث کرد تمام نقاط ضعف و قوت و خواسته های مردم و قبایل را می دانست، حال زمان مناسب فرا رسیده بود زیرا قبایل بادیه نشین به شدت نیاز به یک هویت دینی نیاز داشتند پس باید مردم را ابتدا جذب میکرد ، در نتیجه وقتی پیامبری خود را از طرف خدا به عربها بشارت داد تمام سوره ها و آیه

ها از برابری و محبت و کمک به هموعان و پذیرش تمام ادیان بود و صحبت از بهشت با باغ ها و درختان زیبا و نهر های روان عسل و شراب و هر آنچه در آن شبه جزیره نبود ، اما زمانی که به مدینه هجرت کرد و حکومت تشکیل داد و قدرت زیادی پیدا کرد، کم کم سوره ها و آیه ها شکل خشونت و ترس و تهدید گرفت ، زیرا محمد در آن زمان کم کم داشت به اهداف بزرگش نزدیک میشد و احتیاج به پیروانی ترسو داشت که از الله و خشم الله و آتش جهنم بترسند و برای رسیدن به آن بهشت وعده داده شده هر کاری انجام دهند . حال دیگر خداوند اسلام تنها در جهت خواسته های او آیه نازل میکرد و در خدمت محمد بود . و اینگونه بود که این دین ساختگی هنوز بعد از ۱۴۰۰ سال باعث رنج و عذاب و تبعیض و کشتار در سراسر جهان می‌شود و گروه ها و افرادی چون داعش و حکومت های مستبد و دیکتاتور بر مبنای قوانین اسلام، قتل و کشتار و اعدام و ظلم را مبنای قوانین خود قرار می‌دهند ، قوانینی که بویی از حقوق بشر و کرامت انسانی نبرده اند.

حال قضاوت با شما